

# بحران تجارتي

## سياست اقتصادي

- ۲ -

دائمه مقاله ايرا که تحت عنوان فوق در شماره ۱۴ « آينده » شروع کردم کم کم وسيع شد و توفيق انعام آنرا در همان شماره نياقم . سخن در اين بود که « موازنه تجارتي » يعني سنجش واردات و صادرات جنسي در سرحدات نميتواند ميزان صحيح و کامل دخل و خرج واقعي يك مملکت بشمار آيد ، و با امثلي که از ممالک فرانسه و انگليس ذکر شد مسلم گرديد که عدم تعادل گمرکي هميشه دليل بر پريشاني اوضاع اقتصادي يك مملکت و بدبختي ملت آن نيست . اما اگر عدم موازنه تجارتي وحشتي را که توليد کرده بيجاست ، با مختصر تغيير و تعبير جديدي مسئله موجود و باشکال خود باقي ميباشد .

### موازنه اقتصادي

معاملات بين المللي منحصر بميادله جنسي نيست ، بلکه بوسائل ديگر نيز پول از مملکت خارج يا بان وارد ميگردد ، از جمله پولهاي که در فلان مملکت مسافرين خارجي يا اهل آن مملکت در سفرهاي خارجه خرج ميکنند ؛ همچنين منافع سرمايه ها ، عايدات حمل و نقل ، حق العبور ( ترانزيت ) يا حق العمالي تجارتي و صرافي وغيره . اين اقلام در احصايه هاي گمرکي ثبت نميشود تا بتوان تحت نظر آورد ، با اين واسطه آنها را « واردات و صادرات غير مرئي » نام نهاده اند . بنا بر اين ممکن است مملکتي وارداتش زياد باشد و هر سال از اين بابت مبلغی بخارج مديون بشود ، اما در عوض مسافرين زيادي از خارج بايضا آمده پولهاي خرج کند . يا سرمايه هاي متعولين آن که در باشگاههاي خارجي

است هر ساله مبالغی از بابت منافع برگرداند، یا کشتیهای تجارتی آن بوسیله حمل و نقلهای بین‌المللی گرایه دریافت کند، یا حق العبور از مال التجاره خارجی که از کشوری بکشور دیگر میفرستند بگیرد، و قس علیهذا. عکس قضیه نیز محتمل است، یعنی مملکتی صادراتش زیاد باشد و هر سال مبالغی از خارجه طلبکار بشود، ولی مقدار زیادی سرمایه‌های خارجی در مؤسسات اقتصادی آن مملکت بند باشد و هر سال مبالغی از بابت منافع برای صاحبان سرمایه بخارج فرستاده شود، یا محصلین و مسافرین زیادی در ممالک خارجه داشته باشد و مخارج آنها را بفرسند، یا مستخدمین از خارج آورده باشد و آنها مبلغها بعنوان مواجب بمملکت اصلی خود ببرند، و نظیر آن.

مثلا مملکت سوئیس وارداتش زیاد بود، گندم نان و ذغل سنگ برای سوخت کارخانجات و راههای آهنش را از خارج میاورد و از این بابت هر ساله مبالغی بخارجه مدیون میگردد. ولی از طرف دیگر بواسطه مناظر طبیعی و قشنگ کوهها و دره‌های سبز و خرم، هوای لطیف و آفتاب معتدل و مطلوب زمستان، دریاچه‌های فیروزه فام و آبشارهای دلگشا که با زیباییهای مصنوعی نیز آراسته شده هر ساله هزاران مردم را با کروزها پول تابستان و زمستان از آن طرف اقیانوس اطلس و از کنار رودخانه تمیز و سایر ممالک بطرف خود میکشد و در حقیقت زیبایی مناظر بی نظیر خود را بانها میفروشد. البته مبالغ هنگفتی پول که باین نحو وارد سوئیس میگردد در احصایه گمرکی دیده نمیشود، ولی آن مملکت را با ثروت کرده است. بنابراین فون معتقد است که تعادلی اجناس صادره و وارده را نمیتوان میزان خرج و دخل مملکتی دانست، بلکه باید مجموع واردات و صادرات مرئی و غیر مرئی را بهم سنجید. این موازنه اخیر را بتفصیلی که در مقاله قبل (صفحه ۱۱۳) بیان شد «موازنه اقتصادی» نام نهادیم. در «موازنه اقتصادی» البته «موازنه تجارتی» اهمیت کاملی دارد و عامل عمده است، اما منحصر نیست.



اگر به پیروی عقیده صاحبان این عقیده وحشتی افزونی واردات نسبت به صادرات نباشد، ولی وحشت از این باید داشت که موازنه اقتصادی نامساعد باشد، یعنی پس از حساب کردن همه چیز معلوم شود که در آخر سال مملکت بخارج مدیون شده است. در این صورت البته باید بفکر علاج، بود و راه علاج هم ازدو صورت خارج نیست: یا باید بهر سعی و کوشش است در طرف عایدات افزود، یا اگر ممکن نباشد از طرف مخارج کاست، و چون در دو جانب موازنه عوامل مختلف قرار گرفته که از همه مهمتر در کبه عایدات «صادرات» مملکتی است و در کبه مخارج «واردات» میباشد پس نتیجه میگیریم که بیش از هر چیز باید در صدد افزودن یکی و کاستن دیگری براهیم، و از این راه در حقیقت برمیکردیم بهمان «فرمول» کهنه مندرس و متروک «موازنه تجارتي» که اقتصاديون معاصر تا آن اندازه بانظر حقارت به آن نگریسته اند، و معتقد ميشويم که عدم تعادل صادرات با واردات (همان صادرات و واردات مرئی معمولی) رو به مرفته خوب نیست و بهتر آنست که موازنه تجارتي را حتی المقدور برقرار نمود.

### توافق اقتصادي يا «موازنه طبيعي»

اگرچه اقتصاديون «کلاسيک» از عدم «موازنه اقتصادي» نیز باک ندارند و در اثبات عقیده خود دلایل متعدد می آورند که برای اجتناب از تطویل بذکر تمام آنها نمی پردازیم. از جمله میگویند زیاد شدن واردات، یا بمعنی جامعتر کم شدن عایدات و بالتیجه نقصان پول در مملکت، طبیعت صادرات را زیادتیر خواهد نمود و بالعکس زیاد شدن صادرات یا کم شدن مصارف و زیادتی پول در مملکت خود بخود سبب زیاد شدن واردات خواهد گردید و طبیعت موازنه اقتصادي را برقرار مینماید.

این عقیده خود را « توافق اقتصادی » « Harmonie économique » میگویند . اگر پسندند ما آنرا « موازنه طبیعی » مینامیم .

اقتصادیون مذکور در اثبات عقیده خود اینطور استدلال میکنند : وقتی که به واسطه زیادی واردات پول شروع بخروج نمود بالطبع بسبب کم شدن آن در مملکت قدر و قیمتش زیادتر میگردد و در نتیجه قیمت اجناس داخلی و خارجی در آن مملکت تنزل میکند ، زیرا بعلت کم پولی تقاضای خرید کم و عرضه برای فروش بیش میگردد . از طرف دیگر تنزل اجناس مزدکار را نیز پائین میآورد .

زمانی که قیمت اجناس داخلی تنزل کرد حمل و فروش آن به خارج صرف مینماید و در حقیقت تشویقی از برای صادرات میباشد . بعلاوه اجناس خارجی نیز بدلیل فوق در داخل مملکت کمتر خریدار دارد و این بالطبع جلوگیری از واردات میکند ... مسئله اصولاً قابل تردید نمیشد ، زیرا بدیهی است که تاجر جنس را از محل ارزان خریده بمعطی که گرانتر میخرند میفرستد و معکوس آن کمتر اتفاق میافتد . پس بسبب کم شدن پول در مملکتی از وارداتش کاسته و بر صادراتش افزوده میشود و از این راه بولهای آن که خارج شده بر میگردد . بعقیده این دسته از اقتصادیون دوای درد در خود درد است .

آیا حقیقه همین طور است ؟ آیا تاجر و رشکست ایرانی میتواند دل خود را باین حرفها خوش کند ؟ . . .

اگر همسایگان شمالی ما بازادی تجارت بین المللی معتقد بودند ممکن بود که تدریجاً و بعد از مدتی بحکم توافق اقتصادی « موازنه طبیعی » برقرار شود . اما وقتی که صادرات ما را بممالک خود نپذیرند دیگر در ب این کفتگوها بسته است .

با اینکه نگارنده از عدم تعادل بین صادرات و واردات وحشت چندانی ندارم و با اینکه از لحاظ علمی به « توافق اقتصادی » یا « موازنه طبیعی »